



آیت الله قرهی: تزکیه علمی تزکیه حقیقی است

آیت الله قرهی گفت: تزکیه علمی تزکیه حقیقی است و باید در ولایت باشد. شر دوست دارد و فی ذاته بدش نمی آید که به سوی خوبی برگردد، اما اگر تزکیه علمی نباشد، از چاله در می آید و در چاه می افتد.

آیت الله قرهی گفت: تزکیه علمی تزکیه حقیقی است و باید در ولایت باشد. شر دوست دارد و فی ذاته بدش نمی آید که به سوی خوبی برگردد، اما اگر تزکیه علمی نباشد، از چاله در می آید و در چاه می افتد.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله قرهی نکته ای اخلاقی بیان کرده که متن آن برای علاقه مندان در پی می آید؛

بعضی از خلیقات بشر فطری است و بعضی اکتسابی است؛ یعنی آنها را کسب می کند، از جامعه کوچک که خانه است، تا جامعه بزرگ. مهم اینجاست که باید بدانیم کدام یک از خلیقات قابل تغییر و تحول نیستند؛ یعنی فطری اند و کدام یک از خلیقات قابل تغییر و تحول اند یعنی اکتسابی اند.

اگر خوب این را تشخیص دادیم، بدانیم در راه تزکیه بهترین راه را می رویم و موفق ترین افراد خواهیم بود. لذا برای همین است که من از جلسه اول تا به حال تأکید می کنم تزکیه هم باید تزکیه علمی باشد. بشر دوست دارد و فی ذاته بدش نمی آید که به سوی خوبی برگردد، اما اگر تزکیه علمی نباشد، از چاله در می آید و در چاه می افتد.

به صورت ظاهر به دنبال خوبی ها هم می رود و به صورت ظاهر به دنبال آن گمشده خودش هم می رود اما چون راه را تشخیص نمی دهد و چون تزکیه علمی نیست از چاله خودش را در چاه می اندازد. از راه کجی که رفته و حالا می خواهد به سمت راست برگردد یکدفعه به بیراهه ای می رود، که گویی به چاه رفته و در ظلمات است تصور هم می کند در راه رفته است.

لذا شما دقت کنید، خوارج قرآن می خواندند، حافظ قرآن بودند. گاهی بعضی از آنها اهل نماز شب بودند.

فکر نکنید شمر بن ذی الجوشن لعنت الله علیه یک آدم قمار باز و شراب خوار بوده است؛ خیر! شمر اول در سپاه امیرالمؤمنین بود بعد تبدیل به خوارج شد.

شمر کسی بود که آرزوی مرگ معاویه و یزید را داشت. آرزوی کشتن معاویه و یزید را به دست خودش داشت و بارها این مطلب را گفته بود.

به خوارج می گفت من نذر کردم روزه بگیرم و روزه ام بخاطر این است که روزی عزوجل به من قدرتی بدهد و من بتوانم به آن دارالفساد در کاخ یزید و معاویه بروم و «و جعلنا من بین ایدیهم...» بخوانم، همه را کور کنم و معاویه را هلاک کنم؛ ولی بیچاره ای که از چاله به چاه افتاد، بیچاره ای که بعداً خودش بیان کرد من مصداق «خسر الدنيا و الاخرة» هستم.

می دانید در روایت داریم در کتاب احادیث القدسیه شیخ حر عاملی و در کتاب کلمة الله آیت الله شهید آقای سید حسن شیرازی اعلی الله مقامه الشریف که عزوجل به پیامبر خطاب کرد: حبیب من امکان دارد یک عده را در عذاب به واسطه شفاعت شما نجات بدهم اما اگر همه عالم را هم بیامرزم، شمر را نمی آمرزم.

اگر تو هم شفاعت کنی نمی آمرزم و اگر خود ابی عبدالله خون خواهی نخواهد و بگذرد باز نمی آمرزم. «شمر خودش گفت مثل من مثل «خسر الدنيا و الاخرة» است. برای چی؟ برای اینکه او به صورت ظاهر اوائل عبادت هم می کرد اما کسی که نداند تزکیه علمی تزکیه حقیقی است و باید در ولایت باشد و نداند ولایت آل الله به راه می برد، مسلماً نماز می خواند ولی نمازش بی محتواست. یک انسان پلید به صورت ظاهر زیبا.

فکر نکنید وقتی راجع به شقاوت ها بحث می شود، شقاوت ها مخصوص کسانی است که مثلاً کثافت کاری های روحی را انجام می دهند، مشغول به گناه هستند (که البته آنها خیلی مؤثر است) اما گاهی شقاوت ها برای کسی به دست می آید که صورت ظاهر ذنوبی که مخصوص چنین و چنان است را انجام نمی دهد، آنهایی که بی تزکیه می شوند، بی تزکیه علمی مثل همان ملعون ابن ملجم.

ابن ملجم برای خودش فکر می کرد کسی هست، نماز شب می خواند و... اما قطامه را که دید تمام شد. ابن ملجم کسی بود که مولی الموالی را می شناخت، به خوبی هم می شناخت وقتی قرعه به نام او افتاد، چند بار در خلوت به خودش گفت نه. اما ببینید تزکیه ای که حقیقی نباشد یکی از ضعف هایش هم اینجاست. بهترین شناخت راجع به تزکیه غیر علمی این است که گرچه صورت ظاهر انسان عبادت هم می کند اما در یک مقطع اگر با گناه روبرو شود تنش می لرزد.